

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۰۷

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۸

سبک‌شناسی مدیریت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر بحران جعل و تحریف در روایات مهدویت

خداامراد سلیمیان^۱

رحیم کارگر^۲

چکیده

یکی از مسائل برجسته مهدویت، تلاش برای اعتبارسنجی روایات مربوط به این باورداشت سترگ و نشان دادن یک نظام فراگیر و پذیرفته در این زمینه است. این که آیا روایت در دست از معصوم علیه‌السلام صادر شده یا به دروغ به او نسبت داده شده است، این مهم نیز جز با مراجعه به فرمایش و رفتار معصوم علیه‌السلام شدن نیست. نوشتار پیش رو با روشی توصیفی - تحلیلی تلاش می‌کند تا سبک مدیریت معصومین علیهم‌السلام بر بحران جعل و تحریف در روایات مهدویت را واکاوی کند. این جستار در پاسخگویی به این پرسش که سبک مدیریت معصومین علیهم‌السلام بر بحران جعل در روایات مهدویت چگونه بوده، تأکید دارد که این سبک، از سنخ «مدیریت بحران» بوده است؛ بدین معنا که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در رویارویی با این بحران در پی گرفتن تصمیماتی بودند که به کاهش روند جعل و تحریف و به کنترل و دفع آنان بینجامد. در این راستا با دو گونه «مدیریت دفعی در مرحله پیشینی» و «مدیریت رفعی در مرحله پسینی» روبه روییم. در ادامه ساز و کارهای معصومین علیهم‌السلام در هر دوره

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (نویسنده مسئول) (kh.salimian@isca.ac.ir).

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (r.karegar@isca.ac.ir).

بررسی می‌شود.

بررسی‌های این نگاشته زمینه‌ای است برای پاسخ به این پرسش که امروزه از چه الگویی در رویارویی با جعل و تحریف باید بهره جست؟

واژگان کلیدی

سبک معصومین علیهم‌السلام، مدیریت معصومین علیهم‌السلام، پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، جعل و تحریف، روایات مهدویت.

طرح مسئله

جعل و تحریف در کلام پروردگار متعال و سخنان بزرگان دین، پدیده‌ای است که همواره از آن پرهیز داده شده است. خداوند در آیاتی چند به سرزنش و توبیخ کسانی پرداخته که از پیش خود سخنانی بر ساخته و به او نسبت داده‌اند. (بقره: ۷۹؛ آل عمران: ۹۴؛ أنعام: ۲۱) نیز رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از همان سال‌های نخستین بعثت، جاعلان سخن خویش را به شدت مذمت فرمود. (کوفی، ۱۴۰۹: ج ۶، ۲۰۴) و پس از ایشان نیز دیگر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با این پدیده آسیب‌زا برخورد کرده آن را به‌خوبی مدیریت کرده‌اند. (کشی، ۱۳۶۳: ۱۰۸، ش ۱۷۴)

بی‌شک پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در رویارویی با پدیده جعل و تحریف با «سبک مدیریتی» ویژه‌ای وارد شده‌اند. که شناخت آن دارای اهمیت است. برخورد پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در برابر این پدیده نامیمون، به عنوان الگویی راهبردی همواره مورد توجه و اهتمام دانشمندان و اندیشمندان شیعی قرار گرفته، آثاری را شکل داده‌اند. آنچه در این پژوهش‌ها کمتر مورد کاوش قرار گرفته، رویکرد تحلیلی در این زمینه است. بی‌هیچ گمانی بازترسیم چگونگی رویارویی معصومان علیهم‌السلام - که از آن می‌توان با عنوان سبک مدیریتی ایشان در این گستره یاد کرد - با چنین پدیده‌ای، می‌تواند افق‌های روشن‌تری را در نگاه قرار دهد. نیک می‌دانیم که از جمله کارکردهای ارائه این بحث، الگوگیری از معصومین علیهم‌السلام در رویارویی با پدیده جعل و تحریف است. به دیگر بیان، شناخت سبک مدیریت ایشان و شاخص‌های حاکم بر آن می‌تواند الگوی رفتاری به‌ویژه در دوران ما در برابر سخنان ساختگی قرار گیرد.

پژوهش درباره این سبک برخورد می‌تواند جلوه‌های مدیریت معصومان علیهم‌السلام در رویارویی با بحران جعل و تحریف را به نوعی بازتاب دهد. در این زمینه چگونگی رویارویی معصومان علیهم‌السلام با سازندگان روایات و نیز روایات ساختگی به عنوان واقعیتی انکارناپذیر، بازتابنده رفتار عینی ایشان در تصمیم‌گیری و موضع‌گیری، متناسب با شرایط و مقتضیات است که تحقیق درباره آن می‌تواند به شاخص‌ها و اصول موضوعه سازگار با اعتقادات در مراحل گوناگون فرایندهای



برنامه‌ریزی منجر شود. نکته بنیادین و درخور یادکرد این است که در این جستار مراد از جعل و تحریف، برساختنی است که به انگیزه‌ای عامدانه و به هدف تضعیف بنیان‌های دینی صورت پذیرفته باشد و البته دگرگونی‌هایی نیز از سر سهل‌انگاری است در جایی دیگر بحث خواهد شد. در این نوشتار فرض بر این بوده است که پیشوایان معصوم (علیه السلام) در رویارویی با پدیده جعل و تحریف، سبک مدیریتی جامع، پویا و منتقدی داشته‌اند؛ که در آن تلاش شده از برساختن و دست‌برد در روایات معصومان (علیه السلام) پیش‌گیری کنند و از دیگر سو، اندیشه مهدویت را نگه دارد. از این رو برای نشان دادن درستی این استدلال می‌کوشیم تا نشان دهیم:

۱. پیشوایان معصوم (علیه السلام) از چه کارها و برنامه‌هایی برای پیشگیری از جعل و تحریف بهره برده‌اند؟

۲. معصومین (علیه السلام) برای مدیریت و رفع پیامدهای جعل و تحریف چه کارهایی انجام دادند؟
۳. شاخصه‌ها و ویژگی‌های مدیریت بحران معصومان (علیه السلام) در رویاروی با پدیده جعل و تحریف در احادیث مهدویت چه بود؟

به بیانی پاسخ‌گویی به این پرسش است که معصومین (علیه السلام) با تکیه بر اصول، چه شیوه درخوری را برای مقابله با پدیده جعل و تحریف در روایات مهدویت به کار می‌گرفته‌اند؟

چارچوب مفهومی

پیشوایان معصوم (علیه السلام) در رویارویی با پدیده جعل و تحریف جهت کاهش روند آن و نیز کنترل و رفع آن، «سبک مدیریتی» از سنخ «مدیریت بحران» را برگزیده‌اند. از دیدگاه این پژوهش، مسئله جعل و تحریف در روایات مهدویت، یک مشکل و چالش بزرگ در فرایند طرح باورداشت مهدویت و تبیین و تعمیق آن است که می‌توان از آن با عنوان بحران یاد کرد. بحران در طول تاریخ مکتوب بشری همواره ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زندگی انسان را با تهدید روبه‌رو کرده است. نسل‌های بشری همواره ناگزیر به تحمل بحران و خسارت‌ها و صدمات ناشی از آن بوده و پس از چندی نیز از سختی‌های آن رهایی یافته و بهبودی حاصل نموده‌اند و زندگی بشری همچنان ادامه یافته است. بحران حوادثی است که در اثر رخدادها و عمل کردهای طبیعی و انسانی به‌طور ناگهانی به‌وجود می‌آید و خسارتی را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات و عملیات اضطراری و فوق‌العاده دارد، بحران نامیده می‌شود. (شکیب و مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۲) برخی از پژوهشگران بحران را به همان معانی فشار، اضطراب، فاجعه، بلا، خشونت و... به کار برده‌اند. برخی دیگر

با بهره از ادبیات پزشکی، این عبارت را به «سکته» یا «انفاکتوس» تشبیه کرده‌اند و آن را به عنوان «یک نقطه عطف» میان یک تحول مساعد و نامساعد در وضعیت یک ارگانیسم خوانده‌اند. بازتاب چنین نگرش‌هایی را در تعاریف ارائه شده در «فرهنگ علوم سیاسی» باز می‌بینیم. در ذیل مفهوم Crisis می‌خوانیم:

۱. وضعیت ناپایدار و متزلزلی که در چارچوب آن، تغییر قطعی بهتر یا بدتر در شرف وقوع است؛ ۲. هر نوع بی‌ثباتی که به تغییراتی اساسی منجر می‌شود؛ ۳. شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان؛ ۴. هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد، حالتی از نابه‌سامانی ایجاد شود، یا نظمی مختل شود و یا حالتی غیرطبیعی پدید آید، بحران مطرح می‌شود؛ ۵. به وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در جریان یک سیستم یا نظام. لحظه حساس در بحران، لحظه‌ای است که بحران به اوج خود می‌رسد و سرنوشت‌ساز است. (مطهرنیا، ۱۳۸۱: ۴۰)

هر نوع بحران فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی و... نیازمند یک مدیریت کارآمد، منسجم و پیش‌نگر و پس‌نگر است. مدیریت بحران، اصطلاحی است که تمامی جنبه‌های برنامه‌ریزی برای بحران و مرتبط با بحران مشتمل بر فعالیت‌های قبل و بعد از بحران را دربر می‌گیرد. همچنین این اصطلاح به مدیریت هر دو جانبه مخاطرات و پیامدهای بحران نیز می‌پردازد. (بدری، ۱۳۸۴: ۵) مدیریت بحران دارای چهار رکن اصلی شامل: کاهش خسارت‌ها، آمادگی، واکنش و بازسازی و عادی‌سازی است. (طبرسا، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۴) مدیریت بحران در واقع عبارت است از ایجاد آمادگی و فراهم کردن تهیمیدات و تدارکات لازم برای رویارویی با بحران و یا به حداقل رساندن آثار تخریبی آن. (آهنچی، ۱۳۷۶: ۸)

بر این پایه مدیریت بحران فرآیند عملکرد و برنامه‌ریزی است که با مشاهده، تجزیه و تحلیل بحران به صورت یکپارچه، جامع، هماهنگ و با استفاده از ابزارهای موجود تلاش می‌کنند تا از بحران پیشگیری نمایند یا در صورت وقوع آن در جهت کاهش آثار، ایجاد آمادگی لازم، مقابله، امداد رسانی سریع و بهبود اوضاع تا رسیدن به وضعیت عادی و بازسازی تلاش کنند. (شکیب، ۱۳۸۵: ۵۲) بی‌هیچ گمان گزینش مدیریت بحران در مواجهه با چالش جعل و تحریف روایات مهدویت، از سوی پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) از این جهت بود که آنان رهبری جامعه مسلمین را بر عهده داشتند و این رهبری اقتضای صیانت از باور به آموزه‌های اساسی اسلام را دارد. در سبک‌شناسی مدیریت معصومان (علیهم‌السلام) بر پدیده جعل و تحریف در روایات

مهدویت با دو گونه «دفعی در مرحله پیشینی» و «رفعی در مرحله پسینی» روبه‌رو هستیم. مدیریت دفعی در مرحله پیشینی عبارت است از: تعیین اهداف، خط‌مشی‌ها و راهبردهایی که زمینه اثرگذاری روایات بر ساخته و و تحریف‌شده را به کمترین می‌رساند. این برنامه‌ریزی و مدیریت در گستره مهدویت گونه‌ای تفکر دورنگر و فراگیر برای شیعیان فراهم می‌کند و آموزه مهدویت را فهم‌پذیر می‌سازد و آنان را از سقوط نجات می‌دهد. به بیانی، در مدیریت دفعی، پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) کوشیدند تا با گزینش هدف‌های درست و بازنمایی آموزه مهدویت، زمینه را برای پدیده جعل و تحریف ببندند و از سویی در مدیریت رفعی سعی کردند با برنامه‌ریزی عملیاتی با هدف کارآیی، کارها به درستی انجام شود.

انبوه روایات در دست و نیز منابعی که به‌ویژه برای نقل سخنان ایشان سامان یافته (مانند: الغیبه نعمانی؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه شیخ صدوق و کتاب الغیبه شیخ طوسی) گواه روشنی بر فراوانی اهتمام ایشان در تبیین آموزه‌های راستین مهدویت است.

مدیریت پیشینی و پسینی رویارویی با جعل و تحریف

سبک‌شناسی مدیریت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) به معنای شناسایی چگونگی مدیریت آنان در برخورد با پدیده جعل و تحریف در روایات مهدویت در هر زمان، متناسب آن، گوناگون است. بررسی‌ها در جایگاه پاسخ‌گویی به این پرسش که معصومین (علیهم‌السلام) با تکیه بر اصول، چه شیوه درخوری را برای مقابله با پدیده جعل و تحریف در روایات مهدویت به کار می‌گرفته‌اند؟ مجال بسیار گسترده می‌طلبد. اما این مبحث به اجمال براین مهم تأکید دارد که معصومین (علیهم‌السلام) در رویارویی با پدیده جعل و تحریف جهت کاهش روند آن و نیز کنترل و رفع آن، «سبک مدیریتی» از سنخ «مدیریت بحران» را برگزیده‌اند. گزینش این سبک مدیریتی از سوی پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) از این سویه بود که آنان رهبری جامعه مسلمین را بر عهده داشتند و این رهبری اقتضای صیانت از باور به آموزه‌های اساسی اسلام را دارد.

بنابراین در سبک‌شناسی مدیریت معصومان (علیهم‌السلام) بر پدیده جعل و تحریف در روایات مهدویت با دو گونه «دفعی در مرحله پیشینی» و «رفعی در مرحله پسینی» روبه‌رو هستیم. مدیریت دفعی در مرحله پیشینی عبارت است از: تعیین اهداف، خط‌مشی‌ها و راهبردهایی که زمینه اثرگذاری روایات بر ساخته و تحریف‌شده را به کمترین می‌رساند. این برنامه‌ریزی و مدیریت در گستره مهدویت گونه‌ای تفکر دورنگر و فراگیر برای شیعیان فراهم می‌کند و آموزه مهدویت را فهم‌پذیر می‌سازد و آنان را از سقوط نجات می‌دهد. به بیان دیگر در مدیریت دفعی،

پیشوایان معصوم علیهم السلام کوشیدند تا با گزینش هدف‌های درست و بازنمایی آموزه مهدویت، زمینه را برای پدیده جعل و تحریف ببندند و از سویی در مدیریت رفعی سعی کردند با برنامه‌ریزی عملیاتی با هدف کارآیی، کارها به درستی انجام شود. بنابراین تفصیل این دو مرحله مدیریت از این قرار است:

یکم: مدیریت دفعی (مرحله پیشینی)

آغاز این مدیریت در آموزه‌های کلام وحی بنیان نهاده شد. آن‌جا که آیات الهی دروغ‌بستن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را همسنگ کفر و انکار آیات الهی دانسته در آیات پرشماری مردم را از این کار پرهیز داده است. چه این که بدترین گونه دروغ، دروغ و افترا به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله او است. بخشی از زشتی کذب و افترا، بستگی به شأن و شخصیت کسی دارد که مورد کذب و افترا قرار گرفته است. از این نگاه، افترا بر عامه مردم اگرچه کاری ناپسند است اما هرگز همسنگ با افترا بر بزرگان یک جامعه نیست؛ زیرا افترا بر بزرگان، موجب بروز مجموعه‌ای از پی‌آمدهای اجتماعی می‌شود که جبران آن به راحتی ممکن نیست. از سوی دیگر، جایگاه و منزلتی که با این دروغ و افترا مورد دست‌اندازی قرار می‌گیرد، با مقام و منزلت افراد عادی تفاوتی فاحش دارد. حتی اگر چنین تفاوت بزرگی مورد قبول قرار نگیرد، نمی‌توان دروغ بر آفریننده کائنات و نیز خاتم رسولان و پیشوایان معصوم علیهم السلام را همسنگ با دروغ بر دیگران شمرد؛ چرا که اصولاً خدا و رسول صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام با افراد عادی قابل قیاس نیستند، تا افترا بر آنان با افترا بر دیگران یک‌سان شمرده شود.

به طور معمول کذب بر خدا و رسول صلی الله علیه و آله، افزون بر زشتی فراوانش با بدعت‌هایی همراه می‌شود؛ زیرا آن‌چه به دروغ به خدا و رسول صلی الله علیه و آله نسبت داده می‌شود، به سان حکم شرعی خواهد بود و نوعی وجوب یا جواز را به همراه خواهد داشت، که این خود گناهی بزرگ است. (امامی جو، ۱۳۹۰: ش ۳۰، ۳۶) خداوند در کلام خویش، به زشتی این عمل اشاره کرده و عذابی دردناک برای آن قرار داده می‌فرماید:

پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دست‌های خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از جانب خداست»، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آن‌چه دست‌های شان نوشته، و وای بر ایشان از آن‌چه [از این راه] به دست می‌آورند». (بقره: ۷۹)

و یا در آیه‌ای می‌فرماید:

پس کسانی که بعد از این، بر خدا دروغ بندند، آنان خود ستمکارانند. (آل عمران: ۹۴)

و یا در آیه‌ای دیگر دروغ بستن به خداوند را از مصادیق ظلم برشمرده می‌فرماید:
و کیست ستم‌کارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده؟
بی‌تردید، ستمکاران رستگار نمی‌شوند. (أنعام: ۲۱)

و سرانجام در آیه‌ای افزون بر آگاه کردن جامعه از پی آمدها و آسیب‌های این پدیده ناپسند،
فرجام دروغ‌گویی بر خداوند را این‌گونه توصیف کرده است:

﴿يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾ (زمر: ۶۰)؛

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند روسیاه می‌بینی، آیا جای سرکشان در
جهنم نیست؟

در این آیات، خداوند افترازننده بر خود را ظالمی خوانده است که رستگار نمی‌شود. عذاب
شدید خداوند چنین کافرانی را دربر خواهد گرفت و اینان از رحمت حق به دور خواهند ماند.
(یونس: ۱۷، ۶۰، ۶۹، ۷۰؛ هود: ۱۸؛ نحل: ۱۷؛ عنکبوت: ۶۸؛ زمر: ۳۲ و ۶۰)

پیشوایان معصوم ﷺ نیز در یک روشن‌گری پیشگیرانه به واقعیت جعل و تحریف سخنان
خود اشاره کرده مخاطبان را از پیروی شیادان پرهیز داده‌اند. ابوالفرج جمال‌الدین عبدالرحمان
بن علی جوزی یکی از عوامل هجوم برخی برای جعل حدیث را تحریف ناپذیری قرآن دانسته
می‌نویسد:

از آن‌جا که برای هیچ‌کس ممکن نبود که چیزی را که از قرآن نیست، داخل قرآن کند،
گروهی به زیاد و کم کردن و دگرگونی در حدیث پیامبر خدا ﷺ پرداختند و آن‌چه را آن
بزرگوار نگفته بود، وضع کردند. (ابن جوزی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۱)

پیامبر اکرم ﷺ خود در رویارویی با این افراد وارد عمل شده کسانی که سخنی به دروغ به
آن حضرت نسبت می‌دادند را سرزنش می‌کرد. برخی از این روایات که به‌ویژه در منابع
اهل تسنن نقل شده از این قرارند: بخاری و مسلم روایتی را از امیر مؤمنان ﷺ از پیامبر ﷺ
چنین نقل کرده‌اند که فرمود:

لا تكذبوا على فإني من كذب على فليح النار (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۱، ۳۵؛ مسلم نیشابوری،
ج ۱، ۷)؛

بر من دروغ نبندید که به درستی که هر کس دروغ گفت در آتش فرو خواهد رفت.

ابن ابی شیبه نیز در روایت از پیامبر ﷺ آورده است که فرمود:

هر آن کس که دروغی بر من ببندد خانه‌ای در دوزخ بنا کرده است. (کوفی، ۱۴۰۹: ج ۶، ۲۰۴)

نه فقط پیامبر گرامی اسلام ﷺ، خطر جعل حدیث را گوشزد کرده، بلکه امامان معصوم ﷺ نیز در سخنان پرشماری شیعیان را به این آسیب حساس کرده‌اند. امام صادق ﷺ در سخنی به پدیده جعل حدیث درباره اهل بیت ﷺ اشاره کرده می‌فرماید:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ صَدِيقُونَ لَا تَخْلُؤُ مِنْ كَذَابٍ يَكْذِبُ عَلَيْنَا وَيَسْقِطُ صِدْقَنَا بِكَذِبِهِ عَلَيْنَا عِنْدَ النَّاسِ (کشی، ۱۳۶۳: ۱۰۸، ش ۱۷۴)؛

ما اهل بیت، راستگویانیم که هرگز از افراد دروغگو که بر ما دروغ می‌بستند و مطالب صدق ما را با دروغ خود نزد مردم تنزل می‌داده‌اند خالی نبوده‌ایم.

در سخنی دیگر مفصل گوید:

شنیدم آن هنگام که فیض بن مختار بر امام صادق ﷺ وارد شد، آیه‌ای را مطرح کرد و حضرت آن را تفسیر کردند. فیض عرض کرد: قربانت! این اختلاف میان شیعه چیست؟ فرمودند: کدام اختلاف؟ فیض گفت: این که هرگاه در کوفه در مجلس‌شان می‌نشینم، از اختلاف آن‌ها در حدیث، مردّد می‌شوم تا این که به مفصل مراجعه می‌کنم و او به آن چه دلم آرام می‌گیرد، مرا راهنمایی می‌سازد. حضرت فرمود: بله جریان اختلاف، هم‌چنان است که گفתי؛ (زیرا) مردم به دروغ‌بستن بر ما چنان اشتیاق دارند که گویی خداوند بر آن‌ها واجب ساخته و اساساً غیر از این را از آن‌ها اراده نکرده است. گاه برای برخی از اینان حدیث می‌کنم و او از نزد من خارج نمی‌شود تا این که بی‌مورد، توجیه می‌کند، و این بدان جهت است که آن‌ها از حدیث ما و محبت ما دنبال آخرت نیستند، بلکه دنیا را می‌خواهند. (کشی، ۱۳۶۳: ۱۳۵، ش ۲۱۶)

پیشوایان معصوم ﷺ در این مرحله افزون بر اذعان به پدیده جعل و تحریف به برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات پیشگیرانه پیش از جعل و تحریف نیز اهتمام ورزیدند. ایشان افزون بر شناسایی زمینه‌ها و عوامل هشدارهایی نیز در باره دروغ‌پردازی در حوزه دین جهت آسیب‌زدایی و پرهیزدادن مردم از گرفتار آمدن در این دام دادند. در این زمینه بر ایجاد آمادگی برای مقابله با جعل و تحریف تأکید می‌کردند.

نخستین سخنان در اهتمام به مدیریت در این مرحله در سخنان رسول گرامی اسلام ﷺ به چشم می‌خورد مانند آن که فرمود:

خداوند نیکو کند کسی را که گفتاری از ما بشنود و آن را به شایستگی نگهداری کند و

آن‌گاه به دیگری برساند. (احمدبن حنبل، بی‌تا: ۱۲۸)

امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در توصیف نابه‌سامانی‌های نقل برخی روایات و پاسخ به کسی که از حدیث‌های نوآورده و از آن‌چه در دست مردم است و با یکدیگر اختلاف دارد پرسید، در بیانی گسترده و کامل آن‌چه در دست مردم است را یا حق دانسته و یا باطل، راست و دروغ. ناسخ و منسوخ. عام و خاص، محکم و متشابه و آن‌چه در خاطر سپرده شده است و آن‌چه حدیث‌گو بدان گمان برده است، آن حضرت با تأکید بر این که برخی به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در زمان او دروغ بستند (محمود ابوریه، ۶۵) به سخن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اشاره کرده که فرمود:

هر که به عمد بر من دروغ بندد جایی در آتش برای خود آماده سازد. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۶۲، ۱)

امام علی (علیه‌السلام) آن‌گاه در ادامه، راویان حدیث را به چهار گروه تقسیم کرده، به ویژگی‌های هر يك اشاره فرموده که نخست مردی دو رو که ایمان آشکار کند، و به ظاهر چون مسلمان بود از گناه ترسد و بیمی به دل نیارد، و به عمد بر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دروغ بندد و باک ندارد. دو دیگر، مردی که چیزی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شنید و آن را چنان که باید در گوش نکشید و سه دیگر، مردی است که شنید رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به چیزی امر فرمود، سپس آن را نهی فرمود و او نمی‌داند. یا شنید چیزی را نهی کرد سپس بدان امر فرمود، و او از آن آگاهی ندارد. چهار، آن که بر خدا و رسولش دروغ نمی‌بندد چون از خدا می‌ترسد، و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را حرمت می‌نهد، نیز دست‌خوش خطا نگردیده و آن را که به خاطر سپرده همان است که شنیده، و آن‌چه شنیده روایت کند، بدان نیفزاید و از آن کم نکند. (سید رضی، ۱۳۷۸: ۲۴۴-۲۴۲ [با تصرّف]) و چه سخنی از این شایسته‌تر در اهتمام معصومین (علیهم‌السلام) در اهتمام پیشینی. این دقیق‌ترین تقسیم‌بندی برای راویان است که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) بدان اشاره کرده‌اند. البته پس از آن حضرت، دیگر پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) نیز بر این مهم پافشاری فراوانی می‌کردند.

در سخنی دیگر از امیر مؤمنان (علیه‌السلام) می‌خوانیم:

چون حدیثی را شنیدید آن را فهم و رعایت کنید، نه بشنوید و روایت کنید؛ که راویان علم بیارند و به کارندان آن اندک در شمار. (سید رضی، ۱۳۷۸: ۳۷۶)

هم‌چنین آن حضرت فرمود:

هرگاه از سخنان ما چیزی به گوش شما رسید و آن را نشناختید پس آن را به ما برگردانید و درباره آن توقف کنید. (صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲، ۶۲۶)

این اهتمام در کنار این که به دو حقیقت: نخست ورود برخی روایات ساختگی و دیگر بایستگی نقد روایات، اشاره کرده است، سبب شده تا از همان دوران صدور روایات، دانشمندان بزرگ شیعه به فراهم ساختن ساز و کارهای درخور دست زنند. (سلیمیان، ۱۳۹۶: ۵۲)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

دروغ بستن بر خداوند و بر پیامبرش صلی الله علیه و آله، از گناهان کبیره است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲،

۳۳۹)

این اهتمام تا آن جا رسید که امام صادق علیه السلام درک و فهم یک روایت را بهتر از نقل هزار روایت دانست. (شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۲) ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۸) پرسیدم. آن حضرت فرمود:

هُوَ الرَّجُلُ يَسْمَعُ الْحَدِيثَ فَيَحْدِثُ بِهِ كَمَا سَمِعَهُ لَا يَزِيدُ فِيهِ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۱، ح ۱)

او مردی است که حدیث را می شنود و آن را بدون کم و زیاد نقل می کند.

یکی از نویسندگان معاصر با تأکید بر این که احادیثی که در کتاب های شیعه و کتاب های سایر مذاهب اسلامی نقل شده، دربردارنده انواع اشتباهات و اموری است که بطلان آن یقینی است؛ مانند چیزهای غیرممکنی که ناروا و غیرقابل تصور بوده و امور باطلی که دلیل قطعی بر بطلان و فسادشان داریم، نقد حدیث را، واجب و ضروری دانسته است. (مدیر شانه چپ، ۱۳۶۲: ۹۳)

پیشوایان معصوم علیهم السلام جهت بهره از روایات بر مواردی به طور مشخص تأکید می کردند:

۱. تأکید بر حفظ واژگان

پیشوایان معصوم علیهم السلام و در رأس آن ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره بر حفظ واژگان سخنان خویش پافشاری کرده اند؛ تا نکند محتوایی افزون بر مقصود ایشان در روایات افزوده شود. البته این تأکید و پافشاری در نسبت های ناروا به ایشان دو چندان شده است. کلینی با ذکر سند از از امام صادق علیه السلام نقل کرده که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در مسجد خیف در بخشی از خطبه ای فرمود:

نَصَّرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاَهَا وَحَفِظَهَا وَبَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَرُبَّ حَامِلٍ فِيهِ غَيْرُ فِقْهِهِ وَرُبَّ حَامِلٍ فِيهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ... (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۰۳، ح ۱)؛

خداوند شادمان نگه دارد چهره بنده ای که سخنان من را بشنود، پس آن را دریابد و

حفظ کند و به کسی که نشنیده برساند. پس چه بسا حامل فقهی (دانشی که فقیه دانشمند) نباشد و چه بسا حامل فقهی که آن را به فقیه‌تر از خود برساند....

این مضمون را کراجکی از رسول گرامی اسلام ﷺ، این گونه نقل کرده است:

نَصَّرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا فَأَذَاهُ كَمَا سَمِعَ قُرْبَ مَبْلَغٍ أَوْ عَى مِنْ سَامِعٍ؛ (کراجکی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۶۰، ح ۱۱)

خداوند شادمان نگه دارد چهره کسی که حدیثی از ما بشنود و چنانش که شنیده بی کم و بیش به دیگران برساند، که بسا رساننده باشد که نگهدارتر است از شنونده.

ابوبصیر گوید در سخنی از امام صادق (علیه‌السلام) شنیدم که فرمود:

اَكْتُبُوا فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۲)

بنویسید! که شما تا ننویسید، حفظ نخواهید کرد.

و در سخنی دیگر فرمود:

الْقَلْبُ يَتَكَلَّمُ عَلَى الْكِتَابَةِ؛ (همو)

دل بر نوشتن تکیه دارد.

بنابراین پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) برای رساندن درست آموزه‌های دینی از طرق خود، به دقت بیشتر در نقل روایت سفارش می کردند این معنا را در قالب صداقت و راستگویی مورد تأکید قرار می دادند. عمرو بن ابی مقدم می گوید:

أَبُو جَعْفَرٍ (علیه‌السلام) در نخستین باری که بر او وارد شدم، به من فرمود: «راستگویی را پیش از حدیث بیاموزید.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۲)

در اینجا اگر چه راستگویی به معنای عام است اما می تواند به معنای تحفظ بر واژگان روایت نیز باشد.

۲. تأکید بر فهم و درک صحیح حدیث

افزون بر تأکید بر حفظ واژگان روایت در نقل سخنان معصومین (علیهم‌السلام)، ایشان بر فهم و درک درست سخنان خود نیز تأکید می کردند. امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالذِّرَايَاتِ لَا بِالرَّوَايَاتِ هَمَّةُ الشُّفَهَاءِ الرَّوَايَةُ وَهَمَّةُ الْعُلَمَاءِ الذِّرَايَةُ (کراجکی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۳۱)؛

فهم حدیث را پیشه خود سازید، نه روای کردن آن را که همت کم خردان نقل کردن است و همت دانشمندان درایت و فهم.

۳. اهتمام به بیان مقاصد حدیث

افزون بر دقت در نقل الفاظ روایت و نیز اهتمام بر درک درست روایت همواره پیشوایان معصوم علیهم السلام مخاطبان خود را به تأمل در مقصود سخن خویش فرا می خواندند. در روایتی از حسن بن حسن نقل شده که به امام موسی کاظم علیه السلام گفت:

پرسشی از شما بکنم؟ امام فرمود: از امام خود بپرس. گفت: منظور شما کیست؛ من امامی غیر از شما نمی شناسم؟ فرمود: او علی فرزندی است که کنیه ام را به او داده ام. گفت: سرورم، مرا از آتش برهان! همانا ابوعبدالله (امام صادق علیه السلام) فرمود که تو قائم به این امر هستی. فرمود: مگر چنین نبوده ام؟ ای حسن! هر امامی که در امت قائم (به امر امامت) است، او قائم آن هاست، چون درگذشت، جانشینش، قائم و حجت است تا این که از دید آنان پنهان شود، پس همه ما قائم می باشیم. بنابراین، تمام کارهایی که با من داشتی، به فرزندی علی ارجاع بده، به خدا سوگند! به خدا سوگند! من او را جانشین خود نساختم، بلکه خداوند به سبب دوستی، چنین کرده است. (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۹، ۲۵)

هم چنان که روشن است امام در این سخن، راوی را از این اشتباه که امام هفتم، صاحب الزمان و آخرین امام است - آن گونه که به اشتباه از حدیث امام صادق علیه السلام فهمیده بود - در آورده است.

۴. تکذیب و تصدیق حدیث

پیشوایان معصوم علیهم السلام نسبت به برخی از اخبار واکنش نشان داده، برای جلوگیری از بدعت و نیز ایجاد تعهد بیشتر در راویان، به تکذیب یا تأیید برخی از اخبار و سیره معصومان علیهم السلام می پرداختند. (بستانی، ۱۳۸۵: ۶۵)

مسئله اصلی در پذیرش حدیث از دیدگاه امام صادق علیه السلام، دروغ نبستن به معصومین علیهم السلام و نقل دقیق و صحیح سخنان آن بزرگواران است. آن حضرت می فرماید:

پنج چیز است که روزه روزه دار را می گشاید (می شکند) ... و دروغ بستن بر خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم و بر ائمه علیهم السلام. (صدوق، ج ۱، ۲۸۶، ح ۳۹)

و از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود:

به خدا قسم! هیچ کس نیست که بر ما دروغ ببندد، مگر آن که خداوند، گرمی آهن را به او بچشاند. (کشی، ۱۳۶۳: ۵۹۷، رقم ۱۰۴۸)

یکی از دیگر کارهایی که معصومان علیهم السلام در مدیریت پیشگیری در نظر داشتند تصدیق و یا

تکذیب روایات بود.

راوی می‌گوید:

امام باقر علیه السلام بیش از ۲۰۰ روایت برشمرد که به گمان مردم آن‌ها همه حق است. ولی حضرت فرمود: هی و الله کُلُّها کذب و زور؛ به خدا همه آن‌ها دروغ و تزویر است.

در همان روایت، حضرت فرمود:

مِنْهَا مَوْضُوعٌ وَمِنْهَا مُحَرَّفٌ؛

برخی از احادیث، موضوع و برخی محَرَّف است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۱۹)

گاهی می‌شد کسانی با برداشت از روایاتی باوری را محضر امام علیه السلام مطرح می‌کردند و آن را از او راستی‌آزمایی می‌کردند. به عنوان نمونه آن‌چه از بشیر نبال نقل شده که گفت:

... هنگامی به مدینه رسیدم. به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آنان [مرجئه] می‌گویند: اگر مهدی عجل الله تعالی فرجه به پا خیزد، همه کارها به خودی خود برای او سرو سامان می‌یابد و به اندازه گنجایش ظرف حجامتی، خون نخواهد ریخت. حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست! سوگند به آن‌که جانم در دست او است! اگر کارها، خود به خود، برای کسی هموار می‌شد، به یقین برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آن زمان که دندان‌های پیشین آن حضرت شکست و صورت‌اش زخمی شد، سرو سامان می‌یافت! هرگز چنین نیست! سوگند به آن‌که جانم در دست او است! کار، به آن‌جا می‌انجامد که ما و شما، عرق و خون لخته شده پاک کنیم. سپس دست به پیشانی خود کشید». (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۴)

۵. جرح و تعدیل راویان حدیث

پیشوایان معصوم علیهم السلام در بیانی کلی همواره بر شندن حدیث از کسانی که مورد اطمینان هستند تأکید می‌فرمودند. مانند آن‌چه که نقل است که امام صادق علیه السلام موضع دقیق خود را درباره راویان حدیث مشخص کرده و سفارش فرموده است که علم و دانش خود را از هر کس نگیرید، ایشان می‌فرماید:

به راستی، دانشمندان وارثان پیامبران‌اند و این بدان جهت است که پیامبران پول طلا و نقره از خود به ارث نمی‌گذارند و فقط سخنان و احادیثی از خود برجای می‌نهند. پس هر کس چیزی از آن‌ها را بگیرد به بهره فراوان دست یافته است. پس نیکو بنگرید که این علم خود را از چه کس می‌گیرید؛ زیرا در میان خاندان ما اهل بیت، در هر نسلی، مردمان عادل هستند که آموزه‌های دینی را از تحریف غالیان و به خودبستن باطل پسنندان و تأویل و بدمعنی‌کردن نادانان باز می‌دارند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۹۲ و ۱۵۱)

از سوی دیگر بر پرهیز از شنیدن روایت از دروغگویان و منحرفات تأکید می‌کردند. در ذم و لعن دروغگویانی هم‌چون أبوالخطاب، (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۵۷۵) مغیره بن سعید، (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۸۰۵) بشار (همو: ج ۲، ۷۰۱) و برخی دیگر، از ائمه علیهم‌السلام مطالبی رسیده که در تصحیح احادیث نزد متأخران از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. (بستانی، ۱۳۸۵: ۶۶)

دوم: مدیریت رفعی (مرحله پسینی)

اگرچه ممکن است رویارویی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام گاهی هم‌زمان هم پیشینی و هم پسینی بوده باشد اما در مواردی می‌توان اهتمام ایشان را به مرحله پس از جعل و تحریف تصویر کرد. این رویارویی در مواردی شکل گرفته است که برخی از این قرارند:

۱. پرهیز دادن از روایت جعلی و تحریف‌شده

افزون بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امامان معصوم علیهم‌السلام نیز به جهت خطراتی که پدیده شوم وضع حدیث، از خطرناکترین آسیب‌های وارده بر حدیث، در بر داشته، در برابر آن موضع‌گیری نموده و به افشاگری نسبت به آن پرداخته و تلاش کردند مسلمانان را نسبت بدان هوشیار کنند. به عنوان نمونه محمد بن صالح همدانی که از وکیلان امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الکونین بوده، در معرض طعنه‌ها و زخم‌های اطرافیان خود قرار گرفته است و در مکاتبه‌ای از این وضعیت، به امام، شکوه می‌کند. او خود می‌گوید:

کتبت إلى صاحب الزمان عجل‌الله‌فرجه‌الکونین: أَنَّ اهل بيتي يُؤدُونِي وَيَقْرَعُونِي بِالْحَدِيثِ الَّذِي رُوي عَنْ أَبَائِكَ عليهم‌السلام أَنَّهُمْ قَالُوا خُدَامُنَا وَقَوَامُنَا شَرَّارُ خَلْقِ اللَّهِ فَكَتَبَ وَيَحْكُمُ مَا تَقْرَأُونَ مَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرى ظَاهِرَةً (سبأ: ۱۸) فَتَحْنُ وَاللَّهِ الْقُرَى الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا وَأَنْتُمْ الْقُرَى الظَّاهِرَةُ (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۴۵)؛

به امام زمان عجل‌الله‌فرجه‌الکونین نوشتم: خانواده‌ام مرا می‌آزارند و با حدیثی که به پدرانت نسبت می‌دهند، مرا خوار و خفیف می‌سازند. آنان نقل می‌کنند که پدرانت گفته‌اند: خدمت‌گزاران و کارگزاران ما، بدترین مخلوقات خداوند هستند. امام در پاسخ نداشت: وای بر شما، مگر نخوانده‌اید که خداوند تعالی گفت: «وما میان آنان و شهرهایی که بدان‌ها برکت دادیم، شهرهایی آشکار قرار دادیم». به خدا قسم ما آن شهرهای مبارکیم و شما (خدمت‌گزاران ما) شهرهای آشکارید.

۲. معرفی و توییح حدیث پردازان و تحریف‌گران

در این مرحله هم‌چون مرحله پیشینی به مذمت کسانی که روایات را جعل یا تحریف

می‌کردند می‌پرداختند. به عنوان نمونه می‌توان به حکایتی در این زمینه اشاره کرد. روایتی است که ابوجعفر طوسی نقل می‌کند از ابوالفرج معروف به سندی. گفت:

حضرت صادق علیه السلام برای انجام حج به مکه آمده بود زیر ناودان خانه خدا آمد و شروع به دعا کرد. در طرف راست آن جناب عبدالله بن حسن و طرف چپ حسن بن حسن و پشت سرش جعفر بن حسن قرار داشت. در این موقع عباد بن کثیر بصری آمده گفت: یا ابا عبدالله. حضرت جوابی نداد تا سه مرتبه، در مرتبه چهارم گفت: جعفر. فرمود: چه می‌خواهی اباکثیر گفت: من در کتابی که دارم نوشته است این خانه را مردی دانه دانه سنگ‌هایش را بر می‌کند. فرمود: کتاب تو دروغ گفته به خدا قسم مثل این که اکنون می‌بینم مردی را که پاهای زرد رنگ و ساق‌های باریک دارد با شکم گنده و گردن باریک و سر بزرگ در کنار این رکن ایستاده (اشاره کرد به رکن یمانی) مردم را از طواف باز می‌دارد به طوری که مردم از او می‌ترسند. بعد خداوند مردی از فرزندان مرا (اشاره به سینه خود نمود) می‌فرستد او را می‌کشد آن طوری که عاد و ثمود و فرعون ذی‌الاوراد کشته شدند. در این موقع عبدالله بن حسن گفت: به خدا سوگند حضرت ابا عبدالله راست می‌گوید، همه ایشان را تصدیق کردند. (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۲، ۵۸۲)

این تصدیق از آن جهت بود که آن‌ها عارف به مقام مهدی عج و آن پرچمدار حقیقت بودند. در حدیثی دیگر آمده است که بزنطی از محمد بن فضیل از حضرت رضا علیه السلام نقل کرد که گفت:

عرض کردم فدایت شوم من ابن ابی حمزه و ابن مهران و ابن ابی سعید را دشمن‌ترین مردم دیدم نسبت به خدا. فرمود: برای تو چه ضرر دارد گمراهی اشخاص در صورتی که خود هدایت یافته باشی آن‌ها پیامبر خدا را تکذیب کردند و فلانی و فلانی و حضرت صادق و موسی بن جعفر علیه السلام را نیز تکذیب کردند من از راه و روش آباء خود پیروی می‌کنم.

عرض کردم فدایت شوم روایت داریم که شما فرموده‌ای برای ابن مهران، خدا نور ایمان را از دلت بیرون کند و فقر و تنگدستی را وارد خانه‌ات کند. فرمود: اکنون وضع او چگونه است؟ گفتم: آقا سخت گرفتار است، در بغداد به غم و اندوه مبتلا است. حسین قدرت ندارد يك عمره انجام دهد. امام علیه السلام سکوت کرد... (کشی، ۱۳۶۳: ۴۰۵)

نه فقط پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، که یاران امامان و دانشمندان شیعه نیز در رویارویی با سخنان برساخته و تحریف شده در نهایت شدت برخورد کرده‌اند. محمد بن عمران گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: از ما هشت محدث است که

هفتمین آن‌ها قائم است. در این هنگام ابوبصیر به پا خاست سر او را بوسید و گفت: «سَمِعْتُ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مُنْذُ أَرْبَعِينَ سَنَةً، فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: سَمِعْتُهُ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَإِنِّي كُنْتُ خُمَاسِيًّا جَاءَ بِهَذَا قَالَ اسْكُتْ يَا صَبِي لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ يَغْنَى الْقَائِمَ عليه السلام وَلَمْ يَقُلْ إِنِّي هَذَا». (کشی، ۱۳۶۳: ۴۷۵) که تأکید می‌کند که هرگز امام نفرمود این فرزندم.

از بزرگان شیعه می‌توان به شیخ طوسی در رد اعای برخی فرق شیعه در بحث مهدویت (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۱) و نیز شیخ صدوق (صدوق، ۱۳۹۵: ۳۷) در این باره اشاره کرد.

حسن بن زین الدین، درباره انگیزه خود از نگارش کتاب *منتقى الجمال*، می‌نویسد: آن چه مرا به این کار واداشت، آن بود که می‌دیدم کار حدیث سخت، بی‌سامان شده و از هم گسیخته است؛ به طوری که اشتباه و تصحیف، عمومی گشته و از خلال آن، دگرگونی و تحریف هم فراوان شده است. (عاملی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۲)

وحید بهبهانی نیز در این باره می‌نویسد:

وأيضا ربما سقط من الرواية شيء، أو وقع تصحيف، أو تحريف، أو زيادة، أو تقديم، أو تأخير، أو غير ذلك بل وقعت في كثير من أخبارنا، كما لا يخفى على المطلع (وحید، ۱۴۱۵: ۱۱۹)؛ و نیز چه بسا از روایت چیزی کم شده و یا تصحیف و تحریف در آن صورت پذیرفته است و یا چیزهای دیگر بلکه این در شمار فراوانی از روایات ما چنین شده است همان گونه که بر هیچ آگاهی پنهان نیست.

در جای دیگر، می‌نویسد:

مع أنا رأينا كثيراً ما وقع في أخبارنا تقديم وتأخير وسقط واشتباه وتحريف وتصحيف... إلى غير ذلك (وحید، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۴)؛ ما در روایات پیش افتادن و پس افتادن و افتادگی و اشتباه و تحریف و تصحیف و چیزهای دیگر را فراوان دیده ایم.

از برجسته‌ترین کسانی که به نقد برخی سخنان بر ساخته پرداخته شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* است. وی آن‌گاه که برخی مدعیان دروغین مهدویت را در کتاب خود نقد می‌کند، در مقام رد بر مدعیان و جریان‌های انحرافی مستندات روایی آن‌ها را نقل و توضیحاتی را بیان کرده است.

وی در رد واقفه روایاتی را نقل کرده و مردود دانسته است. مانند: روایتی که در آن به امام باقر عليه السلام نسبت داده شده که فرمود:

همانا خداوند بنی‌اسرائیل را به دست موسی نجات داد و خداوند نجات‌دهنده این

امت از فرعون آن است به دست هم‌نام او. (شیخ طوسی، ۱۴۱: ۴۴)

و یا روایتی که به همان حضرت نسبت داده شده که در پاسخ کسی که پرسید آیا او موعود است؟ فرمود: نه! او همانم شکافنده دریا است. (همو: ۴۶) و یا روایتی که به امام صادق علیه‌السلام نسبت داده شده که فرمود:

این فرزندم یعنی ابالحسن اوست قائم و او از حتمی‌ها است. و اوست کسی که آن را پر از قسط و عدل می‌کند همان‌گونه که پراز ظلم و جور شده است. (همو: ۴۸)

و نیز روایتی که نسبت به آن حضرت داده‌اند که فرمود:

از امور حتمی این که این فرزندم قائم این امت است و صاحب شمشیر؛ و به دست خود به ابالحسن اشاره کرد. (همو: ۴۸)

و سرانجام روایتی که به امام صادق علیه‌السلام نسبت داده شده که برخی جزئیات را نیز بیان کرده است که:

همانا برای فرزندم ابالحسن دو غیبت است یکی کمتر و دیگری طولانی تا این که می‌آید نزد شما کسی که می‌پندارد او مرده است و بر او نماز خوانده‌اند و او را دفن کرده‌اند و خاک قبر او را از دست خود می‌تکاند پس او در این ادعا دروغ‌گو است. هیچ وصی‌ای نمی‌میرد تا این که جانشینی برای خود بگذارد. و هیچ وصی نیست مگر این که پس از وصی بیاید. (همو: ۵۷)

نتیجه‌گیری

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در مرحله پیش از بحران و در جایگاه پیشگیری از پیدایش پدیده جعل و تحریف در روایات مهدویت، به تبیین درست آموزه مهدویت پرداختند. ایشان افزون بر هدایت جامعه شیعی، با فراهم کردن برنامه و انجام اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده، آمادگی بایسته را برای رودررویی با پدیده جعل ایجاد کردند. برجسته‌ترین کارهای ایشان در این گستره نهادینه‌سازی رویکرد کیفی به آموزه مهدویت و گفتمان‌سازی برای جلوگیری از انحراف بود. تبارشناسی دقیق مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریه، ارائه معیارهای تشخیص و پیش‌بینی و استمرار جعل و تحریف، از دیگر اقدامات ائمه علیهم‌السلام در این زمینه است.

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در مرحله پس از بحران و پیدایش جعل و تحریف در جریان مسئله قرار گرفتند و از رها شدن ابتکار عمل در رویارویی با برساندگان و تحریف‌گران جلوگیری کردند. در این مرحله ائمه علیهم‌السلام با تبدیل شرایط فقدان تصمیم‌گیری به شرایط امکان تصمیم‌گیری و

نیز توجه به اصل سرعت، دقت و قاطعیت، درصدد مواجهه با آنها برآمدند. زدودن شک و تردید در امر امامت و مهدویت، و اعلام انزجار از جعل و جاعل، از جمله اقدامات ائمه علیهم السلام در این راستاست.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت سبک مدیریتی امامان علیهم السلام در رویارویی با جعل و تحریف روایات در مهدویت به دلیل ویژگی‌ها و مختصات منحصر به فرد بهترین راهبرد در این زمینه بود.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- ابن جوزی، *الموضوعات*، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، المدينة المنورة: المكتبة السلفية، ۱۳۸۶ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *إقبال الأعمال*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ق.
- ابوریه، محمود، *اضواء علی السنة المحمدیه*، قاهره: دارالمعارف، ششم، بی تا.
- احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بیروت: دار صادر، بی تا.
- امامی جو، محمد حسین، «نگرشی نو به کذب و افترا بر خدا و رسول در حوزه حدیث»، *سفینه*، بهار ۱۳۹۰، شماره ۳۰.
- آهنچی، محمد، *مدیریت سوانح: سوانح، مفاهیم، اصول و تئوری ها*، کتاب یکم، تهران، مرکز آموزش و تحقیقات، ۱۳۷۶.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
- بدری، سیدعلی، *آشنایی با مدیر بحران (اصول و مبانی)*، تهران، سازمان شهرداری ها و دهیاری ها، ۱۳۸۴.
- بستانی، قاسم، «موضع گیری و روش برخورد پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام با پدیده وضع حدیث»، *شیعه شناسی*، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۵.
- جمعی از نویسندگان، *آشنایی با مدیریت بحران*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵.
- سلیمیان، خدامراد، *روش نقد و بررسی روایات مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶ش.
- شکیب، حمزه و علی مقدسی موسوی، *مدیریت بحران در پایتخت*، مجموعه مقالات دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، ۱ تا ۳ خرداد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- _____، *معانی الاخبار*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش.
- طبرسا، غلامعلی، «تبیین شاخص های مدیریت حوادث با رویکرد پیشگیری از بحران».

- فصل نامه کمال مدیریت، شماره ۴/ ۵، زمستان ۱۳۸۲/ بهار ۱۳۸۳.
- طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیة، قم: موسسه معارف اسلامی، اول، ۱۴۱۱ق.
 - عاملی، حسن بن زین الدین، منتقى الجمال، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۶۲ش.
 - کراجکی، ابی الفتح، کنز الفوائد، قم: مكتبة المصطفوی، ۱۳۶۹ش.
 - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 - کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، ۱۳۶۳ش.
 - کوفی، ابن ابی شیبہ، المصنف، تحقیق و تعلیق: سعید اللحام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
 - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
 - مدیر شانه چی، علم الحديث ودراية الحديث، قم: دفتر انتشارات اسلامی، سوم، ۱۳۶۲ش.
 - مطهرنیا، مهدی، «مفهوم شناسی بحران: درآمدی بر مدیریت بحران و نقش بسیج در آن»، فصل نامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۱۶، ۱۳۸۱.
 - نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیة للنعمانی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ق.
 - هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم: الهادی، اول، ۱۴۰۵ق.
 - وحید بهبهانی، محمد باقر، الفوائد الحائریة، قم: مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.